

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ح. بریالی
۲۰ اپریل ۲۰۱۹

پاسخ مختصر به گفته های "شرل بنارد"



در آستانه هشت مارچ روز همبستگی جهانی زن "شرل بنارد" همسر زلمی خلیلزاد نماینده خاص امریکا در افغانستان به صورت طعنه های مستقیم سیاسی به زنان و مردان افغانستان و در دفاع از سیاستها و جنایات متعدد امریکا در افغانستان و در حقیقت در دفاع از کارنامه های همسرش زلمی خلیلزاد برای تأمین منافع امریکا، از موقف تکبر و ارباب رعیتی حرفهائی بیان کرد که در میدیای افغانستان و منطقه نیز بازتاب یافت. پاسخ های محکم وردیه های متعددی از هر جانبی و به خصوص عده ای از فعالان جانبداری از حقوق زنان در افغانستان در مورد اظهارات وی داده شد که تا جایی حق مطلب را می توان ادا شده دانست. اما لازم آمد به پاسخ یا توضیح برخی از ادعای های وی و لو به تکرار، اینجا پرداخته شود؛ حتی با وجودی که شاید دیر باشد، ولی ضرورت پرداختن به آن هنوز جاری و ساریست. زیرا همسر گرامی خانم بنارد آقای خلیلزاد این نماینده امپریالیسم امریکا با دوام سیاستهای جنایکارانه دفاع از طالبان، این دشمنان آشکار آزادی زنان، به حیث صمیمی ترین شریک طالبان برای به قدرت رساندن آنها مطابق اوامر امریکا جاده صاف می کند و شب و روز در صدد است تا خوب ترین!! بی درد سر ترین و سر راستترین مجرای به قدرت رسیدن طالبان را دریافت نماید.

خانم بنارد از جمله در اظهارات خود بیان داشتند که "زنان غرب و به خصوص امریکا نیز حقوق خود را به این دلیل به دست نیاوردند که مردم مربوط به یک فرهنگ دیگر برایشان احساس تأسف کرده و برایشان پول و سرباز فرستاده باشد تا آنها را از ظلم نجات دهند." این نظر آشکارا بیان می کند که گویا لشکر امریکا در افغانستان به خاطر دفاع از

حقوق زنان در سال ۲۰۰۱ سرازیر شد و هدفش نیز نجات زنان از زیر سلطه سیاه طالبان بود. در حالی که بی شعورترین زن امریکائی هم می داند که امریکا و متحدانش نه به خاطر رهائی زنان و مردان افغانستان از چنگ طالبان به آنجا لشکرکشی کردند بلکه عملاً خواستند افغانستان را اشغال کنند که کردند و جای پای دایمی برای خود در این سرزمین ستراتیژیک آسیای مرکزی پیدا کنند که پیدا کردند و اکنون نیز بعد از ۱۸ سال می خواهند طالبان را دوباره به قدرت برگردانند.

او گفته که "ما بدون فرستادن سربازان و صدها تن پول، به حقوق خود در مبارزه طولانی و دشوار دست یافته ایم". از یک منظر تاریخی این ادعا هم درست و هم نادرست است. درست است چون جنبش زنان با اتکاء به توان اجتماعی خودشان و جنبش آزادیخواهی به این امر دست یافتند؛ نادرست است چون احزاب بورژوائی از جمله حزب جمهوری خواه به عنوان یک جریان محافظه کار در امریکا در صف دیگر این جدال برای رهائی و تأمین حقوق زنان قرار داشتند و از ارزش های حاکم مردسالارانه دفاع می نمودند و این جنبش سوسیالیستی و کارگری در امریکا بود که در سنگر رهای و خلاصی زن مبارزه می کرد و این دست-آورد تاریخی محصول تلاش این نیروها است.

به این خانم باید خاطر نشان کرد که این شما، حکومت شما و شخص این اجنت معلوم الحال یعنی شوهر تان آقای خلیل زاد بودند که اندک ترین حقوق زنان و مردان در افغانستان را با فرستادن مجاهدین و آغاز جنگ زیر نام اسلام و کفر در افغانستان، از زنان گرفتند و آنها را بالاخره با به قدرت رساندن امارت اسلامی طالبان به خاک سیاه نشانند. این شما ها بودید و هستید که سیاه ترین نیروهای تاریخ را که هرچه در توان داشتند علیه آزادی و حرکت زنان در افغانستان انجام دادند در آغوش گرفتید و هنوز در آغوش دارید. بلی شما قبل از آن که سربازان اجیر و مزدور خود را در رکاب مجاهد به افغانستان بفرستید گله های ضد زن و ضد آزادیخواهی مجاهد و طالب را به جان مردم افغانستان فرستادید که پراتیک آنها افغانستان را به ده ها سال عقب مانی و قهقراء سوق داد. مردم افغانستان هنوز هم به یاد دارند سنگسارهای زنان بیگناه و یا هم اعدام های وحشتناک فرستاده های طالب تان را در غازی ستادیوم و سراسر افغانستان. او با اشاره به ابراز نظر بعضی از زنان درباره خروج "امریکا از افغانستان و نگرانی از آن؛ گفته که رهائی و برابری، محصول ترس و وحشت نیستند که بتوان آن را با ارتش و پول دیگران به دست آورد. در ۱۷ سال گذشته دو هزار و ۵۰۰ سرباز امریکائی در افغانستان کشته شدند و ۱۲۶ میلیارد دالر مصرف شد و این کافی است.

واقعیت آن است که نه زنان در افغانستان و نه مردان هیچ یک نگران خروج لشکر اشغالی امریکا از افغانستان نیستند، بلکه همه نگران از آن اند که امریکا با نقشه های پلید سیاسی زمینه را برای حاکمیت سیاسی دوباره نیروی قرون وسطائی طالب فراهم می کند. این نگرانی اصلی قاطبه مردم افغانستان است که مانند روز روشن می بینند که امریکا و پاکستان با چه بی حیائی نیروی طالب را به امارت اسلامی رساند، از قدرت سیاسی ساقط ساخت و بار دیگر آنها را به جان مردم افغانستان رها می کنند. مردم افغانستان و زنان این سرزمین نگران سلطه سیاسی اسلام و شریعت غرای محمدی هستند که یک بار افغانستان را به عصر حجر سوق داد.

بلی خانم بنارد شما درست می گوئید که "رهائی و برابری، محصول ترس و وحشت نیستند که بتوان آن را با ارتش و پول دیگران به دست آورد" تاریخ چهل ساله اخیر در افغانستان نشان داده است که مردمان این سرزمین یک بار قربانی استیلای شوروی شدند دومین بار مورد چپاول و غارت مجاهد و طالب گردیدند و سومین بار هم مزه اشغال نظامیان شما را چشیدند و در هر سه مرحله این شما بودید که نه تنها در فکر رهائی و برابری برای مردمان افغانستان نبودید بلکه هرچه امریکا در توان داشت همراه با خلیزادها و هزاران مرتجع و مزدور دیگر از خوان بر بادی افغانستان نفع بردند.

این همسر شما بود که بساط رهنمائی، مشاوره، ترجمانی و معرفی پروژه های بربادی انسانیت در افغانستان را همراه با رهبران و سردسته های مجاهد و طالب از پیشاور الی قصر سفید از زمان ریگان تا بوش و الی اکنون عهده دار بود و است. این شما بودید که با اسلحه و پول تان تجارت و فروش تسلیحات تان را به قمیت بربادی و خانه خرابی مردم افغانستان رونق بخشیدید و مانند افغانستان و مردان و زنانش، مردان و زنان عراق و سوریه و لیبیا را نیز به آن رهائی! و برابری! کذائی جهمی رساندید.

او همچنان افزوده است که "در ۱۷ سال گذشته دو هزار و ۵۰۰ سرباز امریکائی در افغانستان کشته شدند و ۱۲۶ میلیارد دالر مصرف شد و این کافی است." تاریخ جنایات نظام سرمایه ثابت ساخته است که این نظام حتی یک سنت و پول خود را نیز بی مدعا و مقصد، مفت و رایگان مصرف نمی کند.

اگر قرار باشد از خون های ریخته شده در افغانستان حساب و کتاب شود، باز هم این مردمان منکوب شده افغانستان هستند که بیشترین قربانیان چهار دهه هستند؛ این زن و مرد این سرزمین است که رنج، عذاب، کشتار و قساوت ناشی از برنامه های تمامیت خواه و ارتجاع گستر امریکا و باندهای اسلامی اش در افغانستان را تحمل کرده اند و تاوان آن را با نابودی هستی و مدنیت شان پس داده اند؛ کشته شدن اجیر شدگان امریکائی نیز بخشی از همین برنامه های توسعه طلبی و رقابت امریکا با کمپ های دیگر سرمایه داری به حساب می آید.

و در اخیر این که روان انسانی در افغانستان، روحیه همزیستی، هم فکری، همبستگی انسانی و شیرازه یک زندگی متعارف توسط مداخلات، دسیسه ها، جنگهای خانمان سوز حکومت های شما همراه با کشت و ظهور افراطیت فوق ارتجاعی اسلامی در افغانستان صدمه دیده است؛ این جامعه را آنقدر آسیب رسانده اید که بهای آن را نه تنها آن تخمین بودجه جنگ و جنایات شما، که از آن ذکر کرده اید، تلافی نمی کند؛ بلکه با هیچ رقم نجومی مادی دیگر نیز جبران پذیر نیست و دوباره به دست نخواهد آمد.